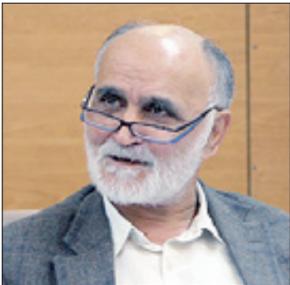


**گفت‌وگو**
**سعید احمدیان**
لیگ دسته اول فوتبال کشور، بار دیگر پرونده

**انتقال تیم‌ها** به شهرهای دیگر گنشوده‌شد، باشگاه‌هایی که هیچ کدام سرنوشت خوبی نداشتند، مهم‌ترین آن باشگاه پاس بود؛ آخرین قهرمان ایران در باشگاه‌های آسیا که پس از انتقال به همدان از هم پاشیده‌شد و الان در دسته دوم کشور فعالیت دارد. در گفت‌وگو با کاظم اولیایی اولین مدیرعامل باشگاه پاس پس از انتقال به همدان، به ریشه‌یابی انتقال تیم‌ها پرداخته‌ایم.



## گفت‌وگوی «جوان» با کاظم اولیایی اولین مدیرعامل پاس پس از انتقال به همدان درباره چرایی سرانجام ناخوش تیم‌های انتقالی در فوتبال ایران

# انتقال باشگاه‌ها یعنی انداختن تیم‌ها به دره

**آقای اولیایی!** با سقوط صبا ناکامی تیم‌هایی که منتقل شدند ادامه دارد. شما به عنوان اولین مدیرعامل پاس پس از انتقال به همدان، بیان می‌کنید اصلا چه شد که تیمی مانند پاس یا صبا از تهران منتقل شدند؟

در بحث انتقال تیم‌ها باید ابتدا عدم امکان ادامه حیات فعالیت تیم‌ها را ببینیم؛ باشگاه‌صبا مربوط به وزارت دفاع بود و باشگاه پاس که نیروی انتظامی مالک آن بود، برای اینکه انتقال این تیم‌ها ریشه‌یابی شود، ابتدا باید به‌نظر مالکان این دو تیم رجوع گردد. انتقال تیم پاس پس از دو اتفاق تلخ در اواسط دهه ۸۰ رخ داد، اول ماجرای قاتل زنجیری‌ها به نام بیچه و دیگری روپوش بدهند، نداشتنه‌است.

در روز عاشورا و به شهادت رساندن تعدادی از هموطنانم در حادثه تاسوکی بود. در اتفاق بیچه، کلاهی مقتولان اعتقاد داشتند نیروی انتظامی در منطقه وقوع جرم اصلا حضور نداشت، به خصوص که این اتفاق در یک زمان طولانی رخ داد. در مقابل نیروی انتظامی در دادگاه معترف بود که از توانایی لجستیک و پشتیبانی کافی با توجه به کمبود بودجه برای زیر پوشش قرار دادن آن منطقه برخوردار نیست. در طرف مقابل و کلاهی مقتولان بررسی می‌شود که چگونه کمبود بودجه‌ای که این نیرو در بخش لجستیکی دارد، چه کمبود هفتگی در باشگاه پاس هزینه می‌شود. آن اتفاق با آمدن مربی ترکیه‌ای به پاس با قرارداد یک میلیارد و ۲۰۰ میلیونی همزمان شد و آقای دینزلی قرار دادی یک سال و نیمه با پاس بست. در طرف مقابل فرمانده وقت منطقه‌ای که حادثه تاسوکی در آن رخ داد و چند سال بعد شهید شد هم اعلام کرد که پول بزنین کافی برای ماشین‌های گشتی که آن منطقه را پوشش بدهند، نداشتنه‌است.

**یعنی این مسائل انتقال پاس را کلید زد؟**

بله، آن هزینه‌های میلیاردی در باشگاه پاس و در مقابل کمبود بودجه‌ای که در بخش لجستیکی برای تأمین امنیت وجود داشت، سبب شد تا از طرف ستاد کل نیروهای مسلح اعلام شد که نباید وارد فوتبال حرفه‌ای

شوید و تیمداری کنید. باشگاه پاس آن زمان در ۲۷ رشته فعالیت می‌کرد از جمله فوتبال. با ابلاغ این دستور فرماندهان وقت شجاعت به خرج دادند و به باشگاه اعلام کردند که باید فعالیت ورزش حرفه‌ای و حتی قهرمانی شان را جمع کنند و گفتند اگر می‌خواهید در ورزش فعالیت کنید باید در ورزش کاتر کنار برنامه‌ریزی کنید. این البته هدف ابتدایی تأسیس باشگاه شهرپایی برای بالا بردن توانایی رزمی و جسمانی نیروها بود و حتی برای درجه گرفتن آمادگی جسمانی از شرایط ترغیب بود، لذا با عنایت به این مطلب، وزارت دفاع و نیروی انتظامی موظف شدند تیمداری نکنند.

**و چرا همدان؟**

سردار احمدی مقدم ابتدا پیشنهاد اداره پاس را به پیشکسوتان دادند اما استقبال نشد. به همین خاطر تیم به همدان رفت. آن زمان آقای احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی با آقای بهروز مرادی استاندار وقت همدان به واسطه هم سننگر بودن در جبهه در ارتباط بودند، آقای مرادی هم با من صحبت کردند و گفتند که باشگاه پاس با توجه به دستسور مقامات بالاتر می‌خواهد منحل بشود، یا امکان اینکه امتیاز فوتبال را به استان منتقل کنیم هست یا نه؟ در این رابطه مذاکراتی با علی آبادی و کیومرث هاشمی و مدیرکل تربیت بدنی استان تهران که از مخالفان بود صورت گرفت که باشگاه پاس منحل گردد امتیاز فوتبال آن به جای دیگری منتقل شود. برای صبا هم که زیر مجموعه صنایع دفاع و وزارت دفاع بود این اتفاق افتاد. به ناچار با توجه به اینکه تأمین هزینه‌های فوتبال حرفه‌ای در نیروهای نظامسی و انتظامی جایگاه قانونی نداشت، آقایان مجبور شدند تیمداری نکنند.

**نمی‌شد صبا و پاس در تهران می‌ماندند تا هویت باشگاه حفظ شود و اینطور نشود که پاس به عنوان قطب فوتبال آسیا امروز با حضور در لیگ دسته دوم نابود شود؟**

دراصلی برای واگذاری امتیاز و ماندن پاس یا صبا در



تهران وجود نداشت، مثل مشکلی که الان برای نفت رشته فعالیت می‌کرد. دلیل آن هم بر می‌گردد به اینکه فوتبالی که مادرست کرده‌ایم گردانی است که همه آن هزینه و جاب و جنجال است. باشگاه نمی‌تواند درآمزیایی کند و دخل و خرج آن نمی‌خواند و کمتر کسی را راغب می‌کند که وارد این فضا شود. این منطقی نیست سالی چند میلیارد خرج فوتبال کنیم اما در آمدی نداشته باشیم. در چنین فوتبالی برخی کار شهنشاس ناکارشناس هم پیدا می‌شوند برای تیم‌ها قیمت‌های میلیاردی جهت فروش می‌گذارند، این قیمت‌ها واقعی نیست، چون اگر بود ما الان مسیر درست را در فوتبال پیدا کرده بودیم. در حال حاضر نمونه عملی آن باشگاه نفت است. باعث تأسف است تیم‌هایی مثل پیکان و سایپا، از پول ماشین‌هایی که چند برابر قیمت به دلیل مظلوم می‌فروشند، در فوتبال هزینه می‌کنند، چه مالی دارد بنده شهروند، ماشین را گران بخرم و تیمی مثل پیکان این پول را در فوتبال ووالیبال هزینه کنند. این توجیه عقلی، اقتصادی و منطقی دارد؟ این راه غلطی است که همه آن را تأیید می‌کنیم.

## یعنی عملی نشدن تعهدات سبب شده تا تیم‌های منتقل شده سرانجام خوشی نداشته باشند در این صورت چکار باید کرد؟

این اتفاق در پاس افتاد، بر اساس قول و قرار ی که استاندار وقت همدان گذاشت بر برنامه مکتوبی که من به استانداری ارائه دادم، تعهداتی به پاس داده شدند. هیچ کدام از این تعهدات اما انجام نشد، قرار بود استاندارد در اختیارمان قرار دهند، قرار بود بخشی از درآمد پروژه‌های گردشگری همدان در تیم پاس هزینه شود اما هیچ کسب کدام عمل نکردند. قبلا هم پیشنهاده دادام که برای تکرار نشدن چنین بقیولی‌هایی، وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال در ازای دادن پورانه باشگاه، از خریدار تعهدات مالی را نسبت به انجام برنامه‌هایشان بگیرند و به صورت ضمانتنامه اخذ کنند تا مالک جدید حتماً آن تعهدات را عملی کند. مثل الان باشگاه نفت نشود که یک شرکت گردن کلفتی، نفت



را خریده است اما در انجام تعهدات مانده‌اند. این یکی از نقض‌های صدور پروانه و باشگاهداری در ایران است. این بلا سر پاس، صبا، نفت و هر تیم دیگری که منتقل شود آمده است. البته این اتفاق در پیکان هینفاد و این تیم که با ایزنی‌های یکی از نمایندگان به قزوین منتقل شده بود، با توجه به عقبه و نفوذی که وجود داشت همچنان از ایران خودرو هزینه می‌کرد. ایران خودرو هم وقتی دید تیم منتقل شده و آنها باز دارند هزینه می‌کنند، گفت حالا که خودمان همچنان هزینه می‌کنیم، پس تیم به تهران برگردد و همین هم‌شد باشگاهی مانند پاس یا صبا با توجه به اینکه حساب و کتاب دارند، این گونه شرایطی برایشان مهیا‌شد و با انتقال این تیم‌ها، نیروی انتظامی و وزارت دفاع هیچ گونه هزینه‌ای صرف نکردند.

**ریشه این اتفاقات به چه بر می‌گردد؟**
**اینکه بخشی به فوتبال می‌آید اما تعهدات عملی نمی‌شود و باشگاه را زمین می‌خور، مسئله‌ای که در ناکامی تیم‌هایی که منتقل شدند، نقش اساسی داشت.**
نزول تیم‌هایی مانند پاس پس از انتقال به ضعف ساختاری باشگاه‌های در ایران بر می‌گردد که تعهدات مالی را مالک جدید نمی‌گیرند. قوانین و ساختار غلط بر فوتبال ایران حکم است و این سبب شده تا فوتبال به برابره برود. این رویه اصلاح نشده و این بلا بر سر بقیه تیم‌ها هم در صورتی که سرنوشتی مانند واگذاری پاس و صبا داشته باشند، خواهد آمد. سا هویت فوتبال حرفه‌ای در کشور تعریف نشود، این اتفاقات در کشور می‌افتد و خوب هم نیست. از انتقال تیم‌ها دفاع نمی‌کنیم اما این مسئله با توجه به شرایط اجتناب‌ناپذیر بود. یک برنگه درست کرده‌ایم و تیم‌ها را به دره هول می‌هیم و بعد می‌گوییم چرا این تیم سقوط کرد. باید دولت شجاعت داشته باشد و در شرایط فعلی هر کسی ادعای باشگاهداری دارد، اول تضمین‌های لازم را از نظر اقتصادی از آن بگیرد. اگر در همدان از مدیران ضمانتنامه مالی گرفته بودند، این اتفاقات بر سر پاس نمی‌آمد.

**یعنی عملی نشدن تعهدات سبب شده تا تیم‌های منتقل شده سرانجام خوشی نداشته باشند در این صورت چکار باید کرد؟**
این اتفاق در پاس افتاد، بر اساس قول و قرار ی که استاندار وقت همدان گذاشت بر برنامه مکتوبی که من به استانداری ارائه دادم، تعهداتی به پاس داده شدند. هیچ کدام از این تعهدات اما انجام نشد، قرار بود استاندارد در اختیارمان قرار دهند، قرار بود بخشی از درآمد پروژه‌های گردشگری همدان در تیم پاس هزینه شود اما هیچ کسب کدام عمل نکردند. قبلا هم پیشنهاده دادام که برای تکرار نشدن چنین بقیولی‌هایی، وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال در ازای دادن پورانه باشگاه، از خریدار تعهدات مالی را نسبت به انجام برنامه‌هایشان بگیرند و به صورت ضمانتنامه اخذ کنند تا مالک جدید حتماً آن تعهدات را عملی کند. مثل الان باشگاه نفت نشود که یک شرکت گردن کلفتی، نفت



صمدرفاوی تیر خلاصی بود بر پیکر صبا تری که سابقه دو دوره حضور در لیگ قهرمانان را در کارنامه دارد.

**پیکان**
تیمی که از حمایت خودروسازان برخوردار است اما در مسیر تهران -قزوین و بالعکس گیر افتاده است. پیکان با قیمتی ۵۰ساله یکی از نماینده‌های تهران در لیگ برتر به حساب می‌آید اما هم‌زمان با صبا این تیم نیز با حکم انتقال روبرو شد. مقصد پیکان قزوین بود، اما نام این تیم تنها پرسونلی برای این تیم محسوب می‌شد. پیکانی هانزی مثل صبا یی‌ها روز و ششسان را در تهران می‌گذارند و تنها مجبور بودند برای بازی‌های خانگی در مسیر اتوان تهران -قزوین در تردد باشند. همین هفته دوشی سرانجام مسئولان را مجبور کرد پیکان راه پایتخت برگرداند. پس از این ماجرا این تیم دوبار طعم سقوط به دسته اول را چشید.

**راه‌آهن**
از نخستین باشگاه‌های فوتبال ایران است و در این فوتبال حق آب و گل دارد. راه‌آهن تیم ریشه‌داری که قدیم همه آن راه‌نام‌راه‌هن تهران می‌شناختند در مرداد سال ۱۳۸۷ سر از شهر ری در آورد. در آن سال که تب انتقال تیم‌های تهرانی به سایر شهرها همه گیر شده بود انصاری فرد مدیرعامل وقت این تیم راه‌آهن را به نزدیک‌ترین شهر تهران منتقل کرد تا خاطر بزگی از بیخ گوش لکوموتیوران بگذرد. این تیم در بره‌ای در شهر قدس به مصاف فریفتش می‌رفت. با این حال این مسئله نیز مشکلات راه‌آهن را حل نکرد. فروش باشگاه به یک شرکت غنایی و پس از آن به یک شرکت هواپیمایی چالش‌های مدیریتی راه‌آهن را به خود رساند. دستگیری مالک این شرکت و به جریان افتادن پرونده فساد اقتصادی او ازیر قزمز را به صدا درآورد. راه‌آهن سال گذشته به لیگ دسته یک سقوط کرد.

**سایپا**
دیگر تیم خودروساز هم در سال ۸۹ سر از کرج (بیرز) در آورد. سایپا با اینکه در تهران مشکلی نداشت اما به دلایلی نامعلوم به استان بیرز منتقل شد. مسئولان بیرز در این مدت برای مدیریت سایپا جشن‌های زیادی را تجزیه کردند تا جایی که در سال ۹۴ تلاش سایپایی‌های برای بازگشت به تهران نتیجه‌داد. سایپا در روززشگاه دستگردی به مصاف فریفتش می‌رود.

## آفت انتقال تیم‌ها از تهران

طرح انتقال تیم‌های فوتبال پایتخت به شهرهای مختلف که طی چند سال گذشته عملی شد حالا به غصه‌ای عمیق تبدیل شده است. غصه‌ای که بیم آن می‌رود تا هزار چندگاهی بقی یکی از تیم‌های ریشهدار را بگیرد. داستانی

که با وعده‌های رنگارنگ و ترسیم آینده‌ای روشن و درخشان آغاز شد اما طولی نکشید که ثابت شد آواز دهل شنیدن از دور خوش است. نه اینکه کلیت داستان از ابتدا اشتباه باشد، نه، داستان می‌توانست به سمت و سویی دیگر برود و همان آینده روشنی که نویدش داده می‌شدر با تصویر یک‌شده اما گام اول اشتباه برداشته شد و خشت اول گل نهد معمار کج تا آن‌را می‌رود دیوار کج و این شد سرنوشت تلخ انتقال‌هایی که قرار بود باعث رشد و شکوفایی شود اما جز زوال و نابودی چیزی ر بی نداشت. انتقال‌هایی که با هدف صاحب تیم کردن شهرها شروع شد تا هم برنامه‌ای سالم برای اوقات فراغت جوانان هر شهر ریخته شود، هم زمینه شکوفایی استعدادهای شهرستان‌ها مهیا گردد و هم ترغیب جوانان برای رفتن به سمت ورزش باشد. هدف قابل قبولی که می‌توانست نتایج خوبی را هم به دنبال داشته باشد اما عدم بسترسازی لازم برای اجرای این هدف باعث شد طی چند سال اخیر شاهد سرنوشتی تلخ باشیم از تیم‌هایی که با امید فراوان بار سفر بسته و به شهری دیگر کوچ کرده بودند. تیم‌هایی که برای بهبود شرایط رخ غربت به جان خریدند اما از اینجामانده و از آنجا رنده شدند و از چاله در آمده و به چاه افتادند چاه عمیقی که ندانم کاری‌های مسئولانی بر سر راهشان گذاشته بود که بی‌هیچ حساب و کتاب و برنامه‌ریزی منطقی، آنها را از خانه و کاشانه خود آواره کردند.

حضور تیم‌های فوتبالی در شهرهایی که پیش از آن چنین تجربه‌ای نداشتند ابتدا بسیار جالب توجه بود. سکوهای مملو از جمعیت نشان از سمت و سودا دن به اوقات فراغت جوانان به شکلی سالم داشت که می‌توانست در ادامه آنها را به جمع علاقه‌مندان به ورزش اضافه کند. مسئله بسیار مهمی که می‌توانست نقش پررنگی در کمرنگ شدن بزهکاری در هر شهری داشته باشد و به همین جهت نیز ابتدا با استقبال خوب از سوی مسئولان هر شهر مواجه شده است. قبلی که با به میان آمدن بحث حمایت‌ها و دست به جیب شدن‌ها و پشتیبانی‌های مادی، رنگ می‌باخت و شکل دیگری به خود می‌گرفت و این عزیز کرده حکم فرزند ناخوانده یا ناتانی را پیدا می‌کرد تا زمین‌ساز شکست پروژه انتقال شود. از جمله دلایلی که باعث شد پروژه‌ای که می‌توانست گامی در راستای رشد و شکوفایی فوتبال ایران باشد سقوط کند، توجه نکردن و بسترسازی لازم و همچنین عملی نشدن وعده‌های رنگارنگ حمایتی بود که داده می‌شد اما هرگز به مرحله اجرا نمی‌رسید. از جمله این وعده‌ها ساخت ورزشگاه‌های اختصاصی در شهرهای مختلف بود. وعده‌ای که در صورت عملی شدن می‌توانست گامی بلند در راستای پیشرفت فوتبال ایران باشد اما از آنجایی که تنها شعاری بیش نبود، خیلی زود دلیل دیگری شد برای آنکه یکی از پروژه‌های مهم فوتبال ایران با سرنوشتی تلخ مواجه شود.

پاس تهران، تیم ریشه‌داری که قهرمانی‌ها و عنوان‌های زیادی در کارنامه داشت و بازیکنان بزرگ و مطرحی را به فوتبال ایران معرفی کرده بود، اولین قربانی این تصمیم‌گیری بی‌برنامه و عجولانه بود. تصمیمی که بدون آماده‌سازی بستر لازم و مهیا شدن شرایط به مر حله اجرا در آمد تا خیلی زود به بن بست بخورد، چرا که هیچ یک از وعده‌های داده شده قبل از این انتقال‌ها به مرحله اجرا در نیامد تا بتواند پروژه انتقال را به انتها برساند و ختم به خیر کند. آن هم در حالی که این پروژه با استقبال خوب مردمی همراه بود و می‌توانست باعث کاهش هزینه‌های شهری در مقیله اجرا بر موزین باشد.

اما شاید بدترین اتفاق در پروژه شکست خورده انتقال تیم‌های فوتبال به شهرهای مختلف، اصرار بر انجام آن بود. آن هم در حالی که نتیجه خیلی زود مشخص شده بود. بعد از پاس، تیم‌های دیگری هم به چنین سرنوشت شومی دچار شدند که بسیاری از رده‌های پایین تر فوتبال در آوردند و برخی نیز هر از چندگاهی از این شهر به آن شهر آواره شدند. مسئله‌ای که باعث شد تا خیلی زود از تعداد تماشاگرانی که روزهای اول حضور بر تعدادشان غوغایی کرد کاسته شود به طوری که گاه تعداد آنها به کمتر از انگشتان دو دست می‌رسید، چرا که از یکسو بومی نبودن تیم، بازیکنان و مربیان و از سوی دیگر عدم نتیجه‌گیری به دلیل نبودن حمایت و امکانات باعث دلزدگی تماشاگران می‌شد. اتفاق ناخوشایندی که طی سال‌های گذشته در شهرهای مختلف و به شکلی کلا تکراری می‌شود اما هنوز هم مسئولان را بر آن نداشت تا پرونده این انتقال‌ها را بسته و مانع از فروپاشی و نابودی تیم‌های دیگر شوند. اصرار بر اشتباهی که نه فقط نابخشودنی است، که فوتبال را نیز به ورطه سقوط می‌کشاند. در صورتی که اگر هر شهر به جای پیگیری انتقال و آماده خوری که در ادامه همواره به راه‌اشدن تیم‌ها نتایج‌مده به دنبال از صفر شروع کردن باشد نه تنها داستان تیشه زدن به ریشه تیم‌های قلمداد را به این روش تمام می‌شود بلکه از تنش‌شتری هم دارد، چرا که از پتانسیل شهر و استان برای بومی سازی استفاده می‌شود و حمایت بیشتری را هم به دنبال خواهد داشت.

**تیم خوبی که همیشه گزینه انتقال به شهرستان است**

## «نفت تهران» بچه سرراهی لیگ برتر

جدای از پنج تیم پاس، صبا، پیکان، راه‌آهن و سایپا که از پایتخت منتقل شدند امروز دیگر نشانی از دوتای آنها نیست و یکی هم به لیگ پایین‌تر سقوط کرد و دوتای دیگر بعد از بازگشت به تهران و به همت شرکت‌های خودروسازی دوباره یا گرفتند، یک تیم دیگر هم در لیگ برتر وجود دارد که بنا به دلایل نامعلوم تا وقتی دولتی بود چوب حراج به آن می‌زدند و امروز که مثلاً خصوصی است همه در پی ذبحش هستند. تیمی که اتفاقاً در چهار، پنج دوره گذشته لیگ برتر از جمله تیم‌های خوب و بالاتشین جدول بوده است؛ «نفت تهران».

■ ■ ■

تردهای تهرانی به عنوان مشتری پروپا قرص طرح انتقال تیم‌های پایتخت همیشه جزو اصلی‌ترین گزینه‌ها بوده‌اند. مشکلات مدیریتی، عدم ثبات اداری و بر برخی مسائل حاشیه‌ای وزارت نفت طی سال‌هایی که این تیم متعلق به آن بود همه از دلایل پرتنگ و اصلی بحث انتقال نفت تهران بوده است. این بحث اما در حالی مطرح شده و می‌شود که این تیم همواره با کسب نتایج قابل قبول از تیم‌های بالاتشین جدول رده‌بندی لیگ برتر نماینده ایران در لیگ قهرمانان آسیا و صعود تا مرحله یک هشتم نهایی این رقابت‌ها و قهرمان جام حذفی فوتبال ایران بوده است. حالا چرا تیمی با این شرایط و با این روند مثبت باید اسیر چنین حاشیه و پرتنگری باشد، سوآلی است که هنوز کسی نتوانسته است پاسخی روشن برای آن پیدا کند.

■ ■ ■

اولین بار در سال ۸۹ بود که بحث انتقال نفت از تهران به اراک مطرح شد، تیمی که با هدایت حسین فرکی خوب کار می‌کرد و خوب هم نتیجه می‌گرفت اما مرغ دولتی‌های آن سال‌ها یک با داشت و اگر اعتراض‌های گسترده بازیکنان و ورود و حمایت رسانه‌های ورزشی به ماجرا نبود، همان سال طومار نفت تهران با انتقال به اراک برای همیشه پیچیده می‌شد.

■ ■ ■

اما ماجرا همین جا خاتمه نیافت، در شروع فصل بعد نفت که حالا با بحران روبه‌رو شده دوباره گزینه انتقال شد و این بار مقرر شد تا به قزوین سپرده شود، قزوینی که از عهده پیکان برنیامد و تیم ریشه‌دار پایتخت را راهی لیگ یک کرد، اما باز هم اعتراض‌ها مانع شد و نفت به رغم تمامی معضلات و حاشیه‌ها در تهران ماندنی شد.

■ ■ ■

برای فصل بعد اوضاع وخیم‌تر شد، حالا پای یک تیم ریشه‌دار قدیمی‌تر وسط بود؛ ملوان بندر انزلی، تیمی که به لیگ یک سقوط کرده بود و قرار بود امتیاز نفت تهران را برای بازگشت به لیگ برتر بگیرد. مزایده هم انجام شد که کم‌کم از زمین می‌رفت. نفت تهران فصل بعد دومین نماینده فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیاست اما این نماینده هنوز تکلیف خود را نمی‌داند، آنها از چاله دولتی بودن و خطر انتقال به شهرستان به چاه خصوصی شدن و خطر انحلال افتاده‌اند و هیچ بعید نیست مثل پاس و راه‌آهن روزی در خصوص آنها هم بنویسیم «یادش بخیر تهران تیمی داشت به نام نفت که نه گر به سیاه که قدرتی بود برای خودش».

■ ■ ■

نفت تهران نمونه خوبی است از بی‌توجهی فوتبال ایران به تیم‌های بازیکن‌ساز و سازنده. تیم‌هایی که مؤثر هستند و بالنده اما با کج سلیقه‌ها، اعمال نوظده‌ها و سیاست‌های من در آوردی دولت‌ها با شعارهای مردم‌فریبانه قربانی می‌شوند و کم‌کم از زمین می‌رفت. نفت تهران فصل بعد دومین نماینده فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیاست اما این نماینده هنوز تکلیف خود را نمی‌داند، آنها از چاله دولتی بودن و خطر انتقال به شهرستان به چاه خصوصی شدن و خطر انحلال افتاده‌اند و هیچ بعید نیست مثل پاس و راه‌آهن روزی در خصوص آنها هم بنویسیم «یادش بخیر تهران تیمی داشت به نام نفت که نه گر به سیاه که قدرتی بود برای خودش».

■ ■ ■

نفت تهران نمونه خوبی است از بی‌توجهی فوتبال ایران به تیم‌های بازیکن‌ساز و سازنده. تیم‌هایی که مؤثر هستند و بالنده اما با کج سلیقه‌ها، اعمال نوظده‌ها و سیاست‌های من در آوردی دولت‌ها با شعارهای مردم‌فریبانه قربانی می‌شوند و کم‌کم از زمین می‌رفت. نفت تهران فصل بعد دومین نماینده فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیاست اما این نماینده هنوز تکلیف خود را نمی‌داند، آنها از چاله دولتی بودن و خطر انتقال به شهرستان به چاه خصوصی شدن و خطر انحلال افتاده‌اند و هیچ بعید نیست مثل پاس و راه‌آهن روزی در خصوص آنها هم بنویسیم «یادش بخیر تهران تیمی داشت به نام نفت که نه گر به سیاه که قدرتی بود برای خودش».